

مسافران یک جاده حادثه خیز همچنان در مسلخ بلا تکلیفی

قربانی جدید سریال واژگونی در جاده گلستان شهر



در این محور شد. به گفته این مقام انتظامی، تاکنون مکانات و جلساتی در خصوص مشکلات این محور با مسئولان برگزار شده است اما برای انجام برخی اقدامات در این محور متولی آن هنوز مشخص نیست. وی اظهار امیدواری کرد: با پیگیری های صورت گرفته تا ماه آینده متولی این محور تعیین شود.

«کیوان نژاد» با تأکید بر این نکته که در معابر شهری در این محور هم تردد کنند، در خصوص مشکلات این محور اظهار کرد: مشکلات اصلی این محور حل نشدنی به نظر می رسد اما با اقداماتی همچون آرام سازی و آشکارسازی با نصب تابلو و علایم می توان مانع واژگونی خودرو

اختلاف سطح به وجود آمده در این مسیر زمینه ساز واژگونی خودروها در این محور است. البته با وجود این مشکلات کارشناسان معتقدند اگر رانندگان با سرعت مطمئنه رانندگی کنند واژگونی در این محور رخ نخواهد داد با این وجود وقوع حوادث مختلف نشان می دهد با دادن هشدار به رانندگان برای رعایت سرعت مطمئنه تعداد خودروهای واژگون شده در این مسیر کاهش نمی یابد و باید مشکلات آن به صورت ریشه ای برطرف شود.

رئیس پلیس راه بجنورد در خصوص رانندگان باید باندند با سرعت تردد حادثه صبح روز گذشته گفت: خودروی پراید روز چهارشنبه به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه در محور بجنورد - گلستان شهر از جاده خارج شد و پس از برخورد با تیر برق راننده آن به دلیل شدت جراحات وارد شده در دم جان باخت. سرهنگ

محمد اکاهی- محور بجنورد- گلستان شهر روز گذشته دوباره قربانی گرفت و این بار راننده ۴۳ ساله یک خودروی پراید پس از انحراف از جاده با تیر برق برخورد کرد و جان باخت. به گزارش خبرنگار ما، محور بجنورد- گلستان شهر به طور مکرر شاهد واژگونی خودرو در محدوده دو میدان واقع شده در این مسیر است و روز گذشته نیز مسافران این جاده شاهد یک واژگونی مرگبار بودند. روزانه صدها نفر از اهالی گلستان شهر و ۵ روستای واقع در مسیر از این محور استفاده می کنند اما به گفته کارشناسان پلیس راه و راهنمایی و رانندگی، میدان غیراستاندارد، رینگ نامناسب میدان، متناسب نبودن عرض راه با میدان، آگاهی نداشتن رانندگان پیش از ورود به میدان به دلیل نبود تابلو، نبود زیرسازی مناسب و



ملجرای دخترى كه تاوان اشتباه برادرش را داد

قله محبت

لرزان می گوید: «بعد از فرار از خانه خیلی احساس تنهایی و کمبود محبت می کردم برای همین در تله یک نفر دیگر اقدام. پسر چرب زبان وقتی دید تنها هستم به پناهه آشنایی بیشتر برای ازدواج مرا چنان مجذوب خود کرد که برای او با پول پدرم کادو و سوغاتی می خریدم تا در خیال واهی خودم با این کار اعتمادش را به خودم جلب کنم تا شاید با هم ازدواج کنیم. این ماجرا او با پول پدرم کادو و سوغاتی می خریدم ادامه پیدا کرد تا این که به خاطر پیامک های برداشت بانکی که برای پدرم ارسال می شد او به ماجرا مشکوک شد. پدرم از پلیس کمک می گیرم تا ببیند چه کسی پشت برداشت های غیر قانونی از حساب بانکی اش است. با ردیابی پلیس خیلی زود هویت برداشت کننده مشخص

و پدر متوجه اصل داستان می شود. وقتی دختر فراری دستگیر می شود به ناچار همه اتفاقات گذشته را برای آن ها بازگو می کند و متهمان هم در چنگال قانون گیر می افتند تا به سزای اعمال شان برسند.

دختر رنگ به رخسار نمانده می گوید: وقتی دستگیر شدم مجبور شدم همه ازاهاى تلخ در و دیوار می گویدم و از گفتن حقیقت وحشت داشتم». دختر کم سن و سال به یک دختر فراری تبدیل می شود و روزی با برداشتن کارت بانکی پدرش از خانه فرار می کند.

بعد از این ماجرا دوباره در تله یک پسر سوء استفاده گر دیگر می افتد. دختر گم شده در تاریکی نه تنها درخواست کمک مالی از پسر به اصطلاح دل باخته اش نمی کند بلکه برعکس برای جلب اعتماد وی اقدام به برداشت پول از حساب بانکی پدرش می کند. او با صدایی

بعد از چند صبحی داستان تکرار می شود و گویا پسر کینه ای که هنوز از ماجرای رفتار برادر او و دوستانش دلش آرام نگرفته است بار دیگر با کمک یکی از دوستان دیگرش دختر را با ترغیبی جدید به دام می اندازد و ماجرای قبلی سر او تکرار می شود.

دختر که بعد از رو دست خوردن این بار دوم از پسر شیطان صفت اعصاب و روانش به هم می ریزد به مصرف قرص اعصاب روی می آورد. او به جای انتخاب راه درست و کمک گرفتن از قانون و بازگشت به پناهگاه امن خانواده، راه اشتباه خودش را هر بار تکرار و خودش را بیش از گذشته در لجنزار هوس غرق می کند.

دختر با چشمانی اشک بار می گوید: از یک طرف اعصابم به هم ریخته بود و از طرفی دیگر به خاطر کهولت سن پدر و مادرم اصلا حرف های یکدیگر را نمی فهمیدیم، برای همین بدجور تشنه محبت بودم و به دنبال یک تکیه گاه امن خیالی می گشتم. هر بار بعد از بازگشت نزد خانواده، آن ها مرا در تنگنا قرار می دادند تا دست از آبروبریزی بیشتر بردارم اما خودم را به در و دیوار می کوبیدم و از گفتن حقیقت وحشت داشتم». دختر کم سن و سال به یک دختر فراری تبدیل می شود و روزی با برداشتن کارت بانکی پدرش از خانه فرار می کند.

بعد از این ماجرا دوباره در تله یک پسر سوء استفاده گر دیگر می افتد. دختر گم شده در تاریکی نه تنها درخواست کمک مالی از پسر به اصطلاح دل باخته اش نمی کند بلکه برعکس برای جلب اعتماد وی اقدام به برداشت پول از حساب بانکی پدرش می کند. او با صدایی

ماجرا از آن جا آغاز می شود که برادر قربانی وارد رابطه با دختری می شود اما بعد از مدتی برادر آن دختر متوجه این رابطه می شود. دختر لب به صحبت باز می کند و می گوید: «برادرم با خواهر پسرى كه مرا روسپاه كرد دوست بود و بعد از مدتی وقتی او پی به ماجرا برد درگیری بین برادرم و برادر آن دختر رخ داد. سر این ماجرا برادرم با کمک دوستانش آن پسر را کتک زدند و همین اتفاق سرآغاز یک نقشه شوم برای من شده. پسر مغلوب سر ارتباط خواهرش با پسر غریبه به فکر انتقام نه از پسر ضارب بلکه از خواهر ضارب می افتد و با همدستی چند دوست خود با ترغیب زیر کانه ای با تقاب بر چهره

آهسته به دختر قربانی نزدیک می شود. دختر از همه جا بی خبر که به گفته خودش با پدر و مادر پیرش زندگی می کرد به خاطر کمبود مهر و محبت اسیر پسر قریبکار می شود و خود را وارد یک رابطه عاشقانه یک سوبه می کند. پسر زخم خورده بعد از مدتی که اعتماد دختر ساده لوح را جلب می کند برای گرفتن انتقام دختر را به لانه شیطانی اش می کشاند. او تعریف می کند: زمانی که با خوشحالی پا در خانه شیطانی او گذاشتم چند دقیقه بیشتر طول نکشید که او و ۲ دوستش به من حمله ور شدند. دختر بعد از این اتفاق تلخ با یک دنیا افسوس و حالی نزار راهی خانه اش می شود اما از شدت غصه و ترس به خاطر عواقب و برخورد تند خانواده اش لب به سخن باز نمی کند. دختر دل شکسته بعد از آن دچار ناراحتی روحی و روانی می شود و پدر و مادر وی هم به خاطر فاصله سنی زیادی که با دخترشان داشتند با او کاری نداشتند. دوباره

ماجرای مردی که با شکستن بینی همسرش قصد کلاهبرداری داشت

پایان یک زندگی مشترک با طمع ورزی

زن جوان که از این ضربه ناگهانی و دردناک شوهرش به خود می پیچد خواسته شوهرش را رد می کند و به خاطر همین کار از خانه رانده می شود.

زن جوان درد کشیده بعد از مداوا و عمل جراحی با مشورت خانواده اش قید زندگی با شوهر بی بند و بارش را می زند و راهی دادگاه خانواده می شود. او می گوید: به دادگاه خانواده آمده ام تا با شکایت از شوهر کلاهبردارم درخواست طلاق بدهم و از او جدا شوم و بقیه عمرم را به دور از هر نامردی و بی وفایی سپری کنم.

کچ دار و مریز زوج مدتی با این دست فرمان پیش می رود تا این که روزی به واسطه راهنمایی های شیطانی دوستان ناباش نقشه شومی را اجرا می کند.

زن از همه جا بی خبر که مشغول آب و جارو کردن حیاط است ناگهان با ضربه سنگین شوهرش نقش بر زمین می شود. بعد از شکستن بینی و جراحی مواد یاری کند اما با مقاومت شوهرش از او می خواهد وانمود کند این جراحی و شکستگی ناشی از تصادف است تا با کلاهبرداری از بیمه پول خوبی به جیب بزند.

همچنین شدت گرفتن اعتیادش هر روز دعوا بین زوج جوان رخ می دهد و او با فروش اسباب خانه هزینه موادش را جور می کند. مرد معتاد به دلیل ارتباط با دوستان ناخلف هر روز پایش را بیشتر از گلیم اش دراز و از نزش درخواست های جدیدی می کند. ابتدا به گفته زن جوان، شوهرش می خواهد او را در کار قاچاق مواد یاری کند اما با مقاومت سخت او مواجه می شود. هر بار که تیر مرد شیشه ای به سنگ می خورد سیاه تر می کند.

شاید به هدف شومش برسد. زندگی

صدیقی- طمع ورزی مرد یک خانواده زندگی مشترک شان را به سمت خط پایان و جدایی سوق داد. مرد جوان که به خاطر اعتیاد صنعتی، قصد کلاهبرداری از بیمه را داشت با مقاومت همسرش رو به رو و کارشان به دادگاه کشیده شد. بنا بر اظهارات زن جوان، ماجرا از این قرار است که بعد از ازدواج زوج، مرد جوان به واسطه رفاقت با دوستان ناخلف در دام اعتیاد می افتد و روزگار خود و همسرش را روز به روز سیاه تر می کند.

بعد از بیکاری مرد خانواده و

ریاضی

در بهای اتوماتیک

RIAZI AUTOMATIC DOORS

تخصص، تجربه، مشتری‌مداری

بهترین قیمت، بهترین کیفیت

اجرا و نصب

کرکره‌های برقی

شیشه و جک پارکینگ

آمایش، امنیت و زیبایی

کارخان را به ما بسپارید...

مدیریت: ریاضی

شیروان، خیابان امام خمینی

۰۹۱۵ ۳۸۵ ۱۹۴۱

طرح مهر دانا

نمایندگی ۹۸۴۵ بیمه دانا (ابازریان)

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران

با همکاری شرکت بیمه دانا و بانک قرض الحسنه مهر ایران

شرکت استثنایی برای خرید بیمه نامه های

شخص ثالث

بدنه

آتش سوزی

حوادث انفرادی

مسئولیت

بدون پیش پرداخت و ضامن

بدون سود

تنها با یک فقره چک

بازپرداخت ۱۲ ماهه

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس

بجنورد - خیابان میرزا رضا کرمانی - نبش میرزا رضا کرمانی ۳

نمایندگی ۹۸۴۵ بیمه دانا (ابازریان) مراجعه نمایید.

تلفن گویا: ۸۲۴۶۸۰۵۸۳۲۲۴۷۴۰۵ - ۰۹۱۵ ۱۸۸ ۱۰۱۵